

فلسفه و حکمت (۶)

حکمت هنر و زیبایی در اسلام

شهرام پازوکی



انتشارات فرهنگستان هنر

زمستان ۱۳۸۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	سخن ناشر
۹	پیشگفتار
۱۱	گفتار اول
۱۱	پرسش از زیبایی شناسی اسلامی
۱۶	تأسیس زیبایی شناسی
۲۲	حُسن
۲۳	تجلی
۳۶	عشق
۴۱	گفتار دوم
۴۳	معنای هنر و هنرمندی در عالم اسلام
۴۵	هنرمندی و فتوّت
۵۳	هنر دینی (اسلامی و مسیحی)
۵۸	شعر
۵۹	نقاشی
۶۷	گفتار سوم

۷۰ معرفت هنری

۷۳ معنی و صورت در هنر اسلامی

۸۱ گفتار چهارم

۸۱ تنزیه و تشبیه

۸۹ تشبیه و سمبولیسم

۹۳ منابع و مأخذ

سخن ناشر

هنر حاصل ذوق، حس زیبایی‌شناختی هنرمند، تجربه‌ها و آموخته‌های اوست. هنرمند در این مسیر، در تعامل با هنر و دانش اقوام و ملل دیگر، بر غنای تجربه خود می‌افزاید و افق دید خویش را می‌گستراند و از این رهگذر آثار و اندیشه‌های هنری به منصه ظهور می‌رسد و میراث هنری شکل می‌گیرد. این میراث هنری جلوه تلاش هنرمندان، اندیشمندان و انسانهایی است که در آفرینش اثری زیبا سهم داشته‌اند. در واقع، آنچه به منزله دست ساخته‌ای انسانی در قالب بنایی عظیم، مجسمه‌ای زیبا، تابلو نقاشی‌ای چشم‌نواز و خطوط اسرارآمیز خودنمایی می‌کند، تحت تأثیر انگاره‌ها و اندیشه‌های رایج در تمدنهای گوناگون بشری است. مهم آن است که این میراث شناخته شود و ابعاد گوناگون هنری، فلسفی، تاریخی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و... آن تحلیل و بررسی شود.

بر همین اساس، فرهنگستان هنر در چارچوب رسالتی که در نشر، ترویج و حمایت از هنر برعهده دارد، علاوه بر برپایی همایش‌های بین‌المللی، هم‌اندیشی‌ها و نمایشگاه‌های مختلف، با انتشار مجموعه آثاری در حوزه‌های گوناگون هنر سعی در پاسخگویی به نیاز هنرمندان و محققان در این زمینه دارد. انتشارات فرهنگستان هنر به منظور گسترش و ترویج مباحث

فلسفی و نظری هنر، اقدام به چاپ و انتشار این موضوعات در قطع جیبی کرده است. مجموعه حاضر که درس گفتارهایی درباره زیبایی شناسی فلسفی و فلسفه هنر و حاصل تلاش گروه فلسفه و حکمت فرهنگستان است، ششمین جلد از این نوع کتابهاست که منتشر می شود.

امید است با انتشار این مجموعه ها امکان دست یابی سهل تر علاقه مندان به این گونه مباحث فراهم آید.

انتشارات فرهنگستان هنر

زمستان ۱۳۸۴

پیشگفتار

در ایران رشته‌های زیباشناسی فلسفی و فلسفه هنر به رغم داشتن علاقه‌مندان بسیار هنوز در مراحل نخستین شکل‌گیری خود هستند. این درحالی است که در فرهنگ دیرپای سرزمین ما هنرهای اصیل، باشکوه و کم‌نظیری چهره نموده و از پشتوانه‌های استواری برخوردار بوده‌اند.

فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران برای گسترش و تعمیق مباحث نظری هنر کوشیده است تا با ترغیب صاحب‌نظران عرصه هنر و به‌ویژه اندیشمندان حوزه فلسفه از یک سو و تشویق علاقه‌مندان، هنرجویان و دانش‌پژوهان از سوی دیگر، بستری برای آشنایی جامعه فرهنگی با این مباحث فراهم کند. به این منظور فرهنگستان هنر طی سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ از جمعی از استادان این حوزه دعوت کرد تا درس‌گفتارهایی را درباره زیباشناسی فلسفی و فلسفه هنر برگزار کنند. این درس‌گفتارها با هدف معرفی فشرده و اجمالی مباحث زیباشناسی و فلسفه هنر و زمینه‌سازی برای جلب توجه، مطالعه بیشتر و راهیابی به کارهای پژوهشی، اندک زمانی پیش از تأسیس دوره دکترای فلسفه هنر در دانشگاه علامه طباطبایی و با همکاری فرهنگستان هنر، برگزار شد. مجموعه حاضر حاصل این درس‌گفتارهاست که اینک با تکمله‌هایی به‌ویژه در مورد معرفی منابع برای مطالعه بیشتر

تقدیم می‌گردد.

بدون شک مجموعه حاضر خالی از کاستی‌ها نیست. همفکری صاحبان نظر و اهل هنر و پیشنهادها و نقدهای ارزشمندشان می‌تواند در راهیابی‌های آینده مددکار ما باشد.

گروه فلسفه و حکمت

گفتار اول

پرسش از زیبایی شناسی اسلامی

در این گفتار به مباحثی پیرامون زیبایی شناسی و فلسفه هنر در عالم اسلام می پردازیم. اگر موضوع بحث، فلسفه هنر نزد کانت، هایدگر و هگل بود، بسیار راحت تر بود. مشکل فلسفه هنر یا زیبایی شناسی در عالم اسلام از آنجا شروع می شود که ما اصولاً در وجود چنین موضوعی تردید داریم، یعنی وقتی به آثار و متون در عالم اسلام رجوع می کنیم و به دنبال این موضوع خاص می گردیم، چیزی تحت این عنوان پیدا نمی کنیم. بنابراین، اولین شبهه ای که ایجاد می شود این است که پس بحث بر سر چیست؟ وقتی چیزی در این مورد نمی یابیم، چرا می گوئیم فلسفه هنر در اسلام یا زیبایی شناسی اسلامی؟ اگر چیزی نیست؛ کوتاه سخن به این درازی نمی شود! و اگر چیزی هست پس کجاست؟ و در کدام متون اسلامی هست؟ آیا در متون فقهی است یا در متون کلامی یا در متون حکمی و فلسفی و یا در متون عرفانی؟ به هر حال آنچه مسلم است این است که می توان گفت که نمی تواند خارج از موارد یاد شده باشد.

در متون فقهی بحث زیبایی و هنر به صورت مستقل طرح نمی شود. تنها می توانیم بگوئیم که در احکام فقهی، به صورت ضمنی مباحثی درباره موسیقی، غنا، نقاشی و مجسمه سازی و

غیره طرح شده است، اما اینها بحث‌های زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر نیست. در متون کلامی یا - به عبارتی دیگر - در علم کلام اساساً چنین مواردی طرح نمی‌شود و نباید در آنجا به دنبال این‌گونه مباحث گشت. می‌ماند آثار حکمی و عرفانی. در آثار فلسفی مثلاً در آثار فارابی، ابن سینا یا سهروردی و ملاصدرا، و از جهتی دیگر در آثار ابوحنیفان توحیدی، می‌توان اشاراتی درباره زیبایی و بعضی هنرها دید. در آثار عارفانی مثل ابن عربی و مولوی اشارات بیشتری یافت می‌شود، ولی وقتی همه این اشارات را در یکجا جمع کنیم هیچ چیزی به صورت سیستماتیک که بتوان آن را «فلسفه هنر» یا «زیبایی‌شناسی اسلامی» نامید، از آنها در نمی‌آید. مثلاً در آثار ابن سینا و فارابی بیشتر مباحث در حد شرح کتاب فن شعر ارسطو تحت عنوان بوطیقا (اصطلاح معرب کلمه poetica یونانی) است. از این رو اگر در موضوع زیبایی‌شناسی در فلسفه اسلامی به مراجع معتبری مثل دائرة المعارف فلسفه راتلیج^۱ یا تاریخ فلسفه اسلامی^۲ دکتر نصر مراجعه کنید، می‌بینید مسئله را در حد فن شعر ارسطو طرح کرده‌اند.

در اینجا سؤالی که به آن می‌رسیم این است که آیا هنرمندان عالم اسلام خالی‌الذهن بودند و تابع هیچ حکمت، نظر و تفکری نبودند؟ یعنی دارای خیال خامی بوده و مطلبی نداشتند و آنچه گفته‌اند یا کرده‌اند هیچ است و آثاری که در هنر اسلامی داریم

1. *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Vol. 1, PP 75-79.

2. *History of Islamic Philosophy*, Vol. 2, PP. 969-978.

گفتار اول / ۱۳

اقتباس از عالم غیر اسلامی است؟ خیلی از کسانی که در غرب، تاریخ هنر می نویسند، می گویند آنچه را که شما هنر می خوانید و صفت اسلامی به آن می دهید صرفاً اقتباس و استمرار هنر یونان و بیزانس است و چیزی در عالم اسلام به آن اضافه نشده است. از طرف دیگر در هنرهایی چون خطاطی، معماری، شعر، موسیقی و حتی تا حدی نقاشی، ما آثاری داریم که حکایت از هویتی می کند. اگر چنین است، حال ما باید بگردیم و ببینیم که آیا این هویت اسلامی است یا نه؟ یعنی آیا می توانیم به هنر و زیبایی شناسی، صفت «اسلامی» بیفزاییم؟ به محض اینکه این صفت «اسلامی» را بیفزایید خودبه خود برای یک دسته آثار هنری، تیپ و در واقع هویتی قائل شده اید؛ و به آنها صفت اسلامی را افزوده اید. اما مشکل از اینجا آغاز می شود که معنای این اسلامی بودن هنر و زیبایی شناسی در عالم اسلام چیست؟ چه چیزی آن را مثلاً از زیبایی شناسی مدرن یا زیبایی شناسی مسیحی متمایز می کند؟

مشاهده می کنید که مبحث مشکلی است؛ به همین دلیل است که اگر کسی بخواهد راجع به هنر و زیبایی نزد کسانی مثل افلاطون، ارسطو، کانت، هگل یا هایدگر صحبت کند، بسیار راحت تر است. یعنی می داند از کجا شروع و به کجا ختم کند؛ زیرا دیگر نیازی نیست اول اصل موضوع را اثبات کند. ولی در اینجا باید ابتدا اصل موضوع را اثبات کنیم، یعنی این مسئله را طرح کنیم که آیا ما اصولاً چیزی به عنوان فلسفه هنر یا زیبایی شناسی در عالم اسلامی داریم یا خیر؟ اگر داریم چیست و اگر نداریم چگونه می توانیم آثار بزرگ هنری را که در عالم اسلام پیدا شده،